



نقش دیپلماسی مرزی در احقاق حقوق مرزنشینان ایران و ترکمنستان

زکیه نادری چنار^۱، محسن جان پرور^۲، محمدجواد رنجکش^۳

۱: دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد zakiyenaderi73@gmail.com

۲: استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳: استادیار علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

دیپلماسی مرزی به عنوان یکی از حوزه های پارادیپلماسی از اهمیت و جایگاه برجسته ای به ویژه برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران هنوز نتوانسته است به خوبی از ظرفیت های مرزی خود برای پاسخ گویی به نیازها و حل مشکلات و حرکت به سمت توسعه پایدار استفاده نماید هدف از فعال کردن دیپلماسی مرزی توسعه و استفاده از ظرفیت های مغفول مانده توسعه ای است در این راستا تحقیق حاضر با توجه به مسائل و مشکلات مختلف که ساکنین مرزی در زمینه رسیدن به حقوق اولیه خود مانند؛ حق داشتن امنیت جانی و مالی، حق بهره مندی از امکانات و خدمات رفاهی، درمانی و آموزشی، حق داشتن درآمد و شغل مناسب با توجه به پتانسیل های موجود در مناطق مرزی و... دارند می تواند به سادگی ضرورت ورود به بحث دیپلماسی مرزی را نمایان کند. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، نقش دیپلماسی مرزی در احقاق حقوق مرزنشینان ایران و ترکمنستان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده شده است که نشان می دهد چگونه دیپلماسی مرزی می تواند در احقاق حقوق ساکنین مرزی موثر باشد و باعث توسعه مناطق مرزی و کاهش مشکلات و تنش ها شود.

کلمات کلیدی: دیپلماسی مرزی، ایران، ترکمنستان، حقوق، مرزنشینان



۱. مقدمه

در کشورهای گوناگون دولتمردان از ادوار گذشته به این فکر افتادند که چگونه مرزنشینان نواحی مرز دریایی، آبی و زمینی را از مزیت هایی برخوردار نمایند تا به عنوان مرزبانان غیر رسمی در مرزها بادلگرمی و آرامش بیشترماندگار و زیست نمایند، چرا که اولین تعارض دشمنان خارجی در مرزها متوجه زندگی، دارایی و جامعه مرزنشینانی است که در مرزها سکونت دارند. در بیشتر ممالک جهان از آمریکای شمالی گرفته تا کشورهای بزرگ و کوچک حوزه دریای کارائیب و آمریکای لاتین، خاورمیانه، آسیای جنوب شرقی و خاور دور، همه جا بیشترین نوع فعالیت ها در مناطق مرزی به فعالیت های غیر مجاز از جمله قاچاق انواع کالا و فرار از قوانین و مقررات جاری در کشور اختصاص دارد (امینی، ۱۳۷۷: ۲۵). این موضوع خود می تواند خود به یک چالش مسائل امنیتی و اقتصادی مرزنشینان باشد که دیپلماسی می تواند آن را از یک تهدید به فرصت تبدیل نماید. دیپلماسی مهمترین شاخصه سیاست خارجی کشورهاست که در طول تاریخ ظهور دولت ها، تحولات گوناگونی در شکل، محتوا و ساختار آن پدید آمده است. با ظهور و گسترش رسانه ها و شکسته شدن اسطوره جغرافیا، تحول مفهومی شگرفی در شکل و معنای دیپلماسی پدیدار شده است. امروزه فرایند جهانی شدن وجوه گوناگونی دارد که بر تمامی جنبه های زندگی بشر تأثیرات بسیار زیادی داشته است که حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی نیز از این تحولات مستثنی نبوده است. یکی از عناصر اصلی قدرت دولتها، همکاری با بازیگران غیردولتی و فضاهای اطلاعاتی و مجازی است که جامعه مدنی جهانی را تشکیل میدهند. در جهان متغیر و متحول کنونی، کشورها معمولاً در چارچوب گفتمان بین المللی نوین رفتار کرده و منافع ملی خود را منطبق با آن تعریف میکنند. جهان متحول شده، دیپلماسی متحول را نیز می طلبد. دیپلماسی ایستا در جهانی پویا ناکارآمد و ناموفق خواهد بود. دیپلماسی به عنوان وسیله ای برای تحقق دولت کارآمد، در برگیرنده ویژگی هایی چون شایسته سالاری، دیپلماسی مبتنی بر همکاری، دوری از انفعال و انطباق با شرایط میباشد (سیمبر، ۱۳۸۵: ۱۸۴). با توجه به مفهوم خود دیپلماسی می توان مفهوم دیپلماسی مرزی را به این صورت بیان کرد، هنر ایجاد ارتباط سازنده بین کشورهای هم مرز یا تاثیرگذار بر مرزهای کشور، نیروی مرزی و ساکنین مرزی با یکدیگر جهت حل و فصل مسالمت آمیز مسائل و مشکلات مرزی و در راستای دستیابی به راهبردهای کنترل و مدیریت بهتر مرزهای کشور (جان پرور، ۱۳۹۶: ۷۷). هدف این پژوهش بررسی نقش دیپلماسی مرزی احقاق حقوق سامنین مرزی است. سوال اصلی پژوهش این است که دیپلماسی مرزی به چه میزان می تواند در احقاق حقوق ساکنین مرزی تاثیرگذار باشد. مفروض پژوهش نیز اینطور به نظر می رسد که؛ تحقق دیپلماسی مرزی می تواند به عنوان راهکار مناسب برای برآورده کردن نیازهای ساکنین مرزی باشد از این رو می بایست مبحث دیپلماسی مرزی و چگونگی تقویت آن در کشور را در زمره مهم ترین مباحث رو به رشد قرار داد.

۲. ادبیات نظری پژوهش

۲-۱. تعریف مرز

در تعریف مرز می توان گفت: خطوط اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی، بر روی زمین مشخص می شوند؛ چنانچه منظور از واحد سیاسی، یک کشور باشد، در آن صورت خطوطی که اراضی یک کشور را از کشور همسایه جدا می سازد، مرزهای بین المللی خوانده می شود (Morelli & Vincent, 2009: 59). مرزها، پدیده هایی با ماهیت انسانی هستند که برای اثبات حقوق فیزیکی یک دولت بر یک قلمرو خاص، تشکیل شده اند. مارتین گلاسنر معتقد است که مرز نه یک خط، بلکه سطحی عمودی است که از طریق فضا و زمین و زیرزمین، دولت های همسایه را قطع می کند؛ هرچند که این سطح، در روی زمین به صورت یک خط مشاهده می شود (Marcus & Power, 2003: 84).



مفهوم مرز به شکل امروزی به زمانی برمی گردد که حکومت ها مطابق معاهده صلح وستفاليا، ۱۶۴۸ م به وجود آمدند. از طرف دیگر ازدیاد روز افزون جمعیت و نیاز فزاینده مردم به منابع طبیعی سبب شد که حکومت ها در علامت گذاری خطوط مرزی دقت و مرزها تا حد امکان کمترین فضا را اشغال کنند (میرحیدر، ۱۳۷۱: ۱۴۳). باتوجه با تعاریف ذکر شده از مرز در ادامه به تعریف موردنظر خواهیم پرداخت؛ مرزها خطوطی هستند در فضا که محدوده حاکمیت، مالکیت و صلاحیت در سطوح مختلف فردی، گروهی، ملی، منطقه ای را مشخص می کنند (جان پرور، ۱۳۹۶: ۲۰).

۲-۲. مرزنشینان (ساکنین مرزی)

یکی از بازیگران اصلی در محدوده مرزها ساکنین مرزی یا مرزنشینان هستند. در لغت نامه دهخدا مرزنشین یا ساکن مرز به کسی گفته می شود که در نواحی سرحدی و مرزی سکونت دارد (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۶۶۸). به بیان دیگر، به کلیه اشخاصی که در عمق نوار مرزی و جزایر مجاور هر کشور سکونت دائمی داشته باشند، مرزنشین اطلاق می شود (کارکنان نظامی و انتظامی و ساکنین شهرهای بزرگ مستثنی می باشند) (رحمتی راد، ۱۳۷۴: ۱۶). به مجموعه افرادی که در فاصله معینی از خطوط مرزی و ساحلی کشور به صورت دائم زندگی می کنند، ساکنین مرزی می گویند. البته باید توجه داشت، برخی عوامل هستند که به صورت قابل توجهی زمینه ایجاد پیوند بین ساکنین مرزی با مرزها را فراهم می آورند و سبب می شوند که بین آنها و سایر افراد ساکن در این فضا تفاوت قائل شد. مهم ترین این عوامل عبارتند از: تعلق خاطر به محل سکونت (دلبستگی به سرزمین و وطن)؛ فرهنگ خاص مرزنشین؛ پیوند امنیتی افراد و خانواده های آنها با امنیت منطقه مرزی؛ پیوند اقتصادی با فضای منطقه مرزی؛ و غیره (جان پرور، ۱۳۹۶: ۷۳).

۲-۳. دیپلماسی مرزی

دیپلماسی مرزی از جمله مفاهیم جدید است که متاسفانه تعریف خاصی از آن، از سوی صاحب نظران و پژوهشگران عرصه مطالعات مرزی صورت نگرفته است. با توجه به مفهوم خود دیپلماسی می توان مفهوم دیپلماسی مرزی را به این صورت بیان کرد، هنر ایجاد ارتباط سازنده بین کشورهای هم مرز یا تاثیرگذار بر مرزهای کشور، نیروی مرزی و ساکنین مرزی با یکدیگر جهت حل و فصل مسالمت آمیز مسائل و مشکلات مرزی و در راستای دستیابی به راهبردهای کنترل و مدیریت بهتر مرزهای کشور. باید توجه داشت که دیپلماسی مرزی توانایی جلوگیری از برخوردهای تهاجمی و خصومت آمیز بین کشورها، کاهش بحران های مرزی، کاهش هزینه های مالی و جانی در طول مرزها و... را برای کشورها دارا می باشند. بر این مبنای، کشورها برای اینکه بتوانند از این ظرفیت دیپلماسی مرزی جهت دستیابی به اهداف خود بهره برداری نمایند نیازمند آن هستند که شناخت و درک لازم از دیپلماسی مرزی و مرزهای خود در ابعاد مختلف داشته باشند (جان پرور، ۱۳۹۶: ۷۷).

۲-۴. حقوق قانونی مرزنشینان

استفاده مشروع و قانونی از مزایای مرز حق هر شهروند ساکن در مناطق مرزی است. زندگی در مرز به منزله مرزبانی است و مرزنشینان، به معنای حقیقی مرزبانان کشور هستند و برخورداری از حقوق مرزی در انگیزه بیشتر برای صیانت از سرحدهای کشور تاثیرگذار است. این واقعیتی انکارناپذیر است که ایجاد و ساماندهی بازارچه های مرزی می تواند منجر به توسعه صادرات و ایجاد تعادل در تراز بازرگانی خارجی کشور شود. کسب درآمد ارزی، جلوگیری از گسترش پدیده قاچاق کالا، پیشگیری از مهاجرت مرزنشینان و کمک به توسعه روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با کشورهای همسایه از دیگر مزیت های توجه به این مناطق است. در همین راستا معافیت ها و سهمیه هایی برای تجارت مرزنشینان در نظر گرفته شده است (اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۶).

۳. روش تحقیق



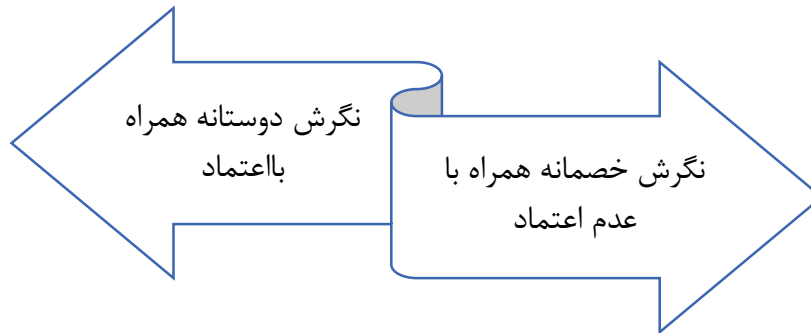
پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی است. جمع آوری اطلاعات در این تحقیق با استفاده از روش مطالعات اسناد و مدارک، مطالعات کتابخانه ای و کاوش از طریق پایگاه های اطلاع رسانی اینترنتی صورت گرفته است.

۴. یافته های پژوهش

مناطق مرزی اغلب دارای مسائل و مشکلات خاصی هستند که سایر مناطق غیرمرزی با آن مشکلات روبرو نیستند. از همین رو است که همواره توصیه می شود تا مسوولان و مدیران سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی و امنیتی کشور، توجه خاصی را به این مناطق مرزی داشته باشند. این مسائل و مشکلات در صورت عدم نظارت و رسیدگی نه تنها خود مناطق مرزی که کل کشور را در معرض تهدید قرار می دهند و می تواند زمینه ساز سایر مشکلات شود. براین اساس سعی شده تا نظریات و دیدگاه های مرتبط جهت برنامه ریزی بهتر برای احقاق حقوق مرزنشینان آورده شود تا باتوجه به شاخص های آنها استراتژی مناسب را برای منطقه مرزی اتخاذ کرد.

۴-۱. نگرش دو کشور به یکدیگر

چگونگی و طرز نگرش دو کشور همسایه به یکدیگر بر مدیریت مرزهای بین آنها موثر است. این طرز نگرش دو کشور می تواند از نگرشی دوستانه همراه با اعتماد تا نگرشی خصمانه همراه با عدم اعتماد بین دو کشور متفاوت باشد. زمینه ها و دلایل شکل گیری این نوع نگرش کشورها نسبت به یکدیگر متعدد است و می تواند بر گرفته از ارزش ذاتی سرزمین، ارزش رابطه ای سرزمین، میراث و رقابت های تاریخی، ادعاهای سرزمینی کشورها نسبت به یکدیگر برای مشروعیت دهی به خود، مداخله در امور کشور همسایه و... باشد که در اینجا فرصت پرداختن به آنها وجود ندارد. در این راستا، چگونگی این نگرش نسبت به کشور همسایه اگر به سمت اعتماد و نگرش دوستانه حرکت کند زمینه همکاری و تعامل دو کشور در زمینه مدیریت مرزهای مشترک بین دو کشور فراهم می آید اما اگر در جهت مخالف این روند جریان داشته باشد نه تنها زمینه همکاری دوجانبه دو کشور در امتداد مرزها برای مدیریت فراهم نمی آید بلکه حتی امکان دارد دو کشور برای ضربه زدن و زیر سوال بردن یکدیگر اقدام به کارهای منفی در امتداد مرزهای مشترک بایکدیگر کنند. در این زمینه می توان به مثال زیر اشاره کرد. در مرز بین کانادا و ایالات متحده چون دو کشور نگاه دوستانه و اعتماد آمیزی نسبت به یکدیگر دارا می باشند هرکدام تلاش های گسترده ای برای دستیابی به مدیریت بهتر مرزی انجام می دهند. در جهت دیگر در مرز بین ایالات متحده و مکزیک همیشه نسبت به همسایه شمالی خود نگرشی سلطه طلبانه و مداخله گرانه دارد این امر سبب همکاری کمتر این دو کشور در راستای دستیابی به مدیریت بهینه مرزی بین دو کشور نسبت به مرز بین ایالات متحده و کانادا گردیده است (جان پرور، ۱۳۹۱: ۲۳۵). مسئله نوع نگرش دو کشور به یکدیگر امری کاملاً طبیعی است که از سطح خرد تا کلان می تواند مورد بررسی قرار گیرد اما چیزی که مدنظر است نوع نگرش ایران و ترکمنستان است که این دو کشور رابطه خوبی در زمینه ی مسائل اقتصادی، حمل و نقل، انرژی و پیشرفت های زیر بنایی با یکدیگر در گذشته داشتند منتها بعد از اقداماتی که ترکمنستان در زمینه افزایش تعرفه های گمرکی، دستگیری رانندگان وسایل عبوری ترانزیتی ایران و همچنین قطع کردن گاز ایران داشت نمی توان از رابطه مورد اعتماد و دوستانه سخن گفت ولی رابطه ایران و ترکمنستان در سطح خصمانه و غیر قابل اعتماد نیز قرار ندارد. به همین سبب می توان با بکارگیری دیپلماسی مرزی مسائل را مطرح و حل کرد تا ساکنین مرزی نیز ضمن برخورداری از حقوق خود، به امنیت و رفاه نسبی دست یابند.



شکل ۱: شاخص ها موثر نگرش دو کشور به یکدیگر

۴-۲. دیدگاه کشمکش های مرتبط با سیاست های بین الملل

دو مطالعه صورت گرفته در زمینه کشمکش های مرتبط با سیاست های بین المللی (گورتز و دیل، ۱۹۹۲ and هاس، ۱۹۹۶) تلاش کرده اند که بر اساس موقعیت های تجربی کشمکش های بین کشور ها را به صورت کلی مورد بررسی قرار دهند. در ابتدا هاس (۱۹۹۶) بر اساس یک مدل واقعی استدلال کرد که کشمکش های بین المللی در نتیجه علایق ستیزه جویانه کشورها و ملاحظات قدرت نظامی کشورها شکل می گیرد. البته، این برای توضیح کشمکش بین کشورها کفایت نمی کند. زیرا بر اساس نظریه (هاس) این مدل فاکتورهای سیاست داخلی و تأثیر آن ها بر اصول سیاست خارجی را در نظر نمی گیرد. بنابراین هاس یک مدلی را پیشنهاد می کند که بدین صورت است، «درمسیری منسجم و عمومی سطوح مختلف داخلی و بین المللی باید در تصمیم گیری های سیاست خارجی هماهنگ شود» (هاس، ۱۹۹۶: ۱۶-۱۵).

برای استفاده این مدل، او ۱۲۹ مورد از کشمکش های سرزمینی از ۱۹۹۰-۱۹۵۰ را مورد بررسی قرار می دهد. مهم ترین یافته او در این مطالعه تمایل بالای کشورها در درگیری ها حول موقعیت استراتژیکی سرزمین می باشد. بر اساس نتایج او، هنوز موقعیت استراتژیکی سرزمین ۲۰ درصد از کشمکش ها بین کشورها را نشان می دهد. همچنین وی دریافت که امکان درگیری کشورها در ارتباط با ارزش اقتصادی سرزمین و حول مسائل قومی و فرهنگی بین جمعیت های چالش گر و ادعاهای سرزمینی بالا است. همچنین، هاس در مطالعات خود کشف کرد که قدرت نظامی چالشگر، جایگاه ضعفی در کشمکش ها دارا می باشد هرچند در مدل های واقعی به عنوان یک فاکتور اصلی در نظر گرفته شده بود. با توجه به فاکتورهای داخلی، هاس پیشنهاد می کند که سیاست داخلی نقش مهمی در برخی حالات از کشمکش ها که وی مطالعه کرده است، ایفا کرده است. برای مثال تصمیم برای مشاجره ها ادعاهای سرزمینی می تواند مرتبط با موارد زیر باشد:

«منافع سیاسی کشور ناشی از افزایش حمایتها و مشروعیت های جمعی داخلی و خارجی می باشد؛ زمانی که این حمایت ها و مشروعیت بخشی ها مرتبط با دستیابی به اتحاد ملی، بازبایی قلمرو ملی از دست رفته یا بدست آوردن منابع اقتصادی ارزشمند باشد» (همان: ۱۸۳). در این راستا حکومت ها و دولت ها نهایت استفاده را از این ادعاها برای افزایش اتحاد ملی و مشروعیت بخشیدن به خود در بین مردم کشور و بدست آوردن حامیانی در سطح بین المللی نسبت به این ادعاها و مشروعیت های خود، می کنند.

گورتز و دیل (۱۹۹۲) کشمکش های سرزمینی را در دو سطح مطالعه کردند. در ابتدا آن ها شکل گیری کشور را مطالعه کردند و تلاش کردند توضیح دهند که چگونه کشمکش ها در این سطح ایجاد می شود و دوم کشمکش هایی که بین دو یا چند کشور ایجاد می شود را مطالعه کردند، که نگرانی های بیشتری در این سطح وجود دارد. آن ها از مدل واقعی ارائه شده از سوی هاس انتقاد می کنند و مدل دیگری برای کشمکش بین کشورها ارائه می دهند. آن ها ۱۶۰ مورد از تبادلات سرزمینی بین کشورها را در دو دوره قبل از ۱۹۱۴ و بعد از ۱۹۱۴ مورد بررسی قرار دادند. گورتز و دیل به صورت آماری

* Huth



(نسبت تولید آهن به استیل و مصرف انرژی)، اهمیت نسبی سرزمین (اندازه سرزمین مورد مناقشه) و فشارهای توسعه طلبانه در داخل کشور (رشد جمعیت، رشد اقتصاد و گسترش قلمرو اولیه) را مطالعه کردند. آن‌ها کشف کردند که بیشتر کشمکش‌هایی که قبل از سال ۱۹۱۴ اتفاق می‌افتاد مرتبط با امکانات نسبی کشورها و فشارهای توسعه طلبانه بود که نقش مهمی را در کشمکش‌های بین کشورها در این دوره بازی می‌کرد. بنابراین، بعد از دوره ۱۹۱۴ دو فاکتور خیلی مهم، فشارهای توسعه طلبانه و اهمیت وسعت سرزمین در ایجاد کشمکش‌ها نقش مهمی ایفا کرده است. از دو مطالعه گذشته می‌توان فاکتورهایی که ممکن است در درگیری‌های سرزمینی مؤثر باشند را بدین صورت خلاصه کرد. اول موقعیت ژئواستراتژیک سرزمین‌های مورد مشاجره است. کشورها هنوز هم نگران امنیت ملی خود هستند، بنابراین اهمیت بالای سرزمین از نظر ژئواستراتژیک برای کشورها در درگیری‌ها و منازعه با همسایگان حول سرزمین از اهمیت بالایی برخوردار است. در این زمینه می‌توان به ادعاهای کشور امارات متحده عربی نسبت به جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک جمهوری اسلامی ایران که از اهمیت ژئواستراتژیکی بالایی برخوردار می‌باشند، اشاره کرد. دوماً، کشمکش‌ها می‌تواند زمانی اتفاق بیفتد که منابع با ارزش اقتصادی یعنی از موقعیت ژئواکونومیک در سرزمین‌های مورد رقابت در مناطق مرزی مانند هیدروکربن‌ها، ماهی‌ها، منابع آب، و ... برخوردار باشد. این منابع نقش مهمی را در کشمکش‌های موجود دارا می‌باشند. به طور مثال درگیری‌های بین عربستان سعودی و بحرین. جزایر حواری بین بحرین و قطر مثال دیگری در این زمینه است. سوم، فاکتورهای داخلی در کشور، مانند حمایت سیاسی داخلی، نقش مهمی را در این راستا بازی می‌کند (افشردی و جان‌پرور، ۱۳۹۲: ۶۸). باتوجه به عوامل تنش‌زا در بین ایران و ترکمنستان نبود دیپلماسی مرزی می‌تواند کشمکش‌ها و درگیری‌های جدی را ایجاد کند متأسفانه ایران در برابر مسائل مورد اختلاف خود و ترکمنستان نتوانسته به خوبی عمل کند مانند کنترل چرای دام‌ها، تقسیم عادلانه آب، مشخص کردن حد مرزی دریای خزر، عبور و مرور آسان رانندگان ترانزیت و... که همگی نشان از ضعف در دیپلماسی مرزی است که خود عدم پیشرفت و توسعه مناطق مرزی را به دنبال دارد.

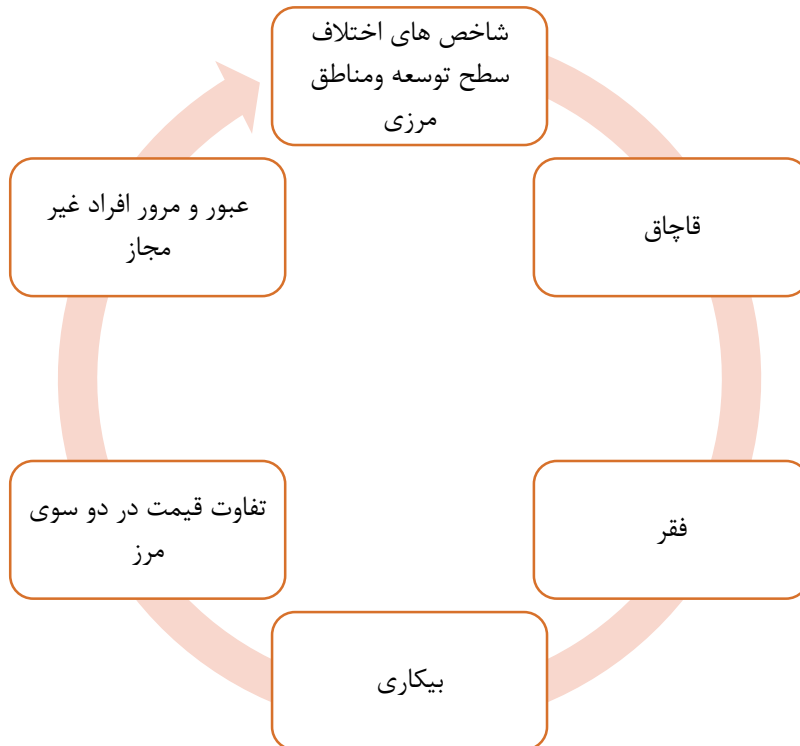


شاخص‌های دیدگاه کشمکش‌های مرتبط با سیاست‌های بین‌الملل

شکل ۲: شاخص‌های مؤثر دیدگاه کشمکش‌های مرتبط با سیاست بین‌الملل

۴-۳. اختلاف سطح توسعه و مناطق مرزی

وجود اختلاف فراوان در قدرت اقتصادی دو کشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات و تسهیلات و بازار کالا در دو سوی مرز می‌گردد، باعث خواهد شد تا اغلب اتباع کشوری که از توان اقتصادی ضعیف‌تری برخوردار هستند اقدام به قاچاق کالا و یا تردد غیرقانونی از مرز به منظور استفاده از بازار کالا و همچنین استفاده از تسهیلات و خدمات موجود در آن سوی مرز کنند. از عوامل اصلی افزایش عبور غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و مواد مخدر در طول مرزهای ایران، وجود اختلاف سطح توسعه، درآمد، فقر و بیکاری در مناطق مرزی یکی از کشورهای و تفاوت قیمت کالا در خارج از مرزها در مقایسه با داخل می‌باشد. قاچاق مواد سوختی از ایران به ترکیه، افغانستان، پاکستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس، قاچاق دام از مناطق مرزی ایران به ترکیه و قاچاق برخی کالاهای صنعتی از مرزهای غربی به ایران به دلیل تفاوت فاحش بها و قیمت آن‌ها در دو سوی مرز انجام می‌شود (زرقانی، ۱۳۸۰: ۴۲). باتوجه به این دیدگاه می‌توان عامل اقتصادی را یکی از مهم ترین عوامل در توسعه دانست عدم توسعه منطقه مرزی خود باعث نادیده گرفته شدن قابلیت‌ها و پتانسیل‌های منطقه می‌شود که گاهی نقش بسزایی در پیشرفت کل کشور و در بهبود روابط کشورهای دو سوی مرز دارند. براین اساس می‌توان اینطور بیان کرد وجود دیپلماسی مرزی قوی می‌تواند شرایط موجود در منطقه مرزی و در دو سوی مرز را آرام کرده تا منطقه برای عرضه قابلیت‌های خود و توسعه آماده شود.



شکل ۳: شاخص های موثر اختلاف سطح توسعه و مناطق مرزی

۴-۴. دیپلماسی مرزی ایران و ترکمنستان

در شرایط اقتصادی کنونی، دیپلماسی مرزی ایران با کشورهای منطقه ای یکی از مسائل حائز اهمیت و اولویت های دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران است. یکی از کشورهای پیشرو در توسعه اقتصادی و دارای ظرفیت های گسترده برای افزایش همکاری های اقتصادی، کشور ترکمنستان است. کشور ترکمنستان، علاوه بر داشتن مرز مشترک با ایران، به دلیل وجود اشتراکات قومی، فرهنگی و زبانی نقش ویژه ای در دیپلماسی خارجی جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند. متأسفانه، در سال های گذشته علیرغم ایجاد فرصت های بسیار گسترده ای که در حوزه توسعه اقتصادی و تجاری با



ترکمنستان داشته ایم، به این امر بی توجهی شده است. با توجه به تحریم های گسترده آمریکا علیه ایران ، ظرفیت های زیادی در مناسبات ایران و ترکمنستان وجود دارد که می توان با بهره برداری از آن، بخش قابل توجهی از فشارهای ناشی از تحریم های اقتصادی آمریکا را به حداقل رساند(برگرفته از صمدی نیا، ۱۳۹۸). جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان، فرصت های بسیاری برای افزایش همکاری ها در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و امنیتی- دفاعی دارد. در چنین شرایطی، که برخی از اقدامات متقابل ایران و ترکمنستان (نظیر نزدیک شدن ایران به آذربایجان ، رقیب منطقه ای ترکمنستان، واگذاری پایگاه نظامی ماری به آمریکا توسط ترکمنستان، ایجاد اختلال برای تجار و رانندگان ایرانی و ...) دیپلماسی مرزی قوی ایران و ترکمنستان در حوزه های مختلف می تواند منجر به گسترش روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و امنیتی- دفاعی دو کشور و در نهایت ایجاد روابط راهبردی در حوزه های اقتصادی و ... شود و ترکمنستان را از کشورهای رقیب چون اسرائیل و عربستان دور نماید. بدین ترتیب ایران توانسته است با استفاده از ابزار دیپلماسی، به اهداف خود یعنی گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با کشور های همسایه و افزایش همگرایی های سیاسی و امنیتی با این کشورها دست یابد.



شکل ۴: موقعیت جغرافیایی مرز ایران و ترکمنستان

۴-۵. حقوق مرزنشینان بر پایه دیپلماسی مرزی

مرز غنیمتی است که باید از آن در ارتباط با معیشت مرزنشینان بیشتر استفاده شود و توجه به حقوق مردم مناطق مرزی از جایگاه ویژه ای برخوردار است که باید به آن توجه شود. در این راستا با توجه به برخی مشکلات مرزنشینان در زمینه دسترسی، دوری از مرکز حکومت، محرومیت و ... رسیدگی به حقوق مرزنشینان به حاشیه کشیده شده است. در شرایطی می توان شاهد توسعه در مناطق مرزی بود که بتوان در گام نخست نیازهای مرزنشینان را تامین نمود؛ حقوق و نیازهای مرزنشینان را به دو دسته می توان تقسیم کرد (۱) حق برخورداری از نیازهای اساسی مانند تمامی انسان ها چه در مناطق



مرزی و چه در مناطق غیر مرزی مانند (دسترسی به آب آشامیدنی، غذای سالم، امکانات تفریحی، رفاهی و خدماتی و...) (۲) و حق برخورداری از نیازهای ثانویه مانند (برخورداری از شغل از طریق توسعه بازارچه های مرزی و ایجاد منطقه ویژه اقتصادی و کاهش آمار قاچاق کالا و...). از جمله نیازهای قانونی دیگر مرزنشینان که میتوان به آنها اشاره کرد؛

توجه به امنیت مرزنشینان

مناطق مرزی کشور، به ویژه مناطقی که در مجاورت مرزهای زمینی قرار گرفته اند، با چالش های خاص امنیتی روبرو هستند. هر دشمنی که بخواهد وارد محدوده مرزی کشور شود، باید از یکی از مرزهای زمینی، دریایی یا هوایی عبور کند. از همین رو مناطق مرزی، سنگر اول حفاظت یک کشور از ورود دشمنان محسوب می شوند. در نتیجه همین مسئله است که در هر کشوری نیروهای ویژه ای برای مراقبت از مرزها و پایش مداوم آنها تعیین می گردد. نظارت مداوم بر مرزها، به ویژه اگر این مرزها در مجاورت مناطق آشفته و جنگ زده جهان قرار گیرد، بسیار سخت، پرهزینه و طاقت فرسا است.

توجه به مسئله دوری از مرکز

مهمترین مسئله مناطق مرزی، دوری از مرکز است. در حالی که طبق داده ها و آمار موجود، اغلب مناطق برخوردار کشور، در مناطق مرکزی کشور قرار دارند، این مناطق مرزی هستند که بار اصلی بیکاری، فقر و حاشیه نشینی بر دوش استان های مرزنشین است و استان هایی همچون سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، خوزستان، آذربایجان غربی و کردستان بیش از میانگین کشوری با جمعیت بیکاران مواجه هستند.

دوری از مناطق مرکزی همچنین باعث می شود تا ساکنان مناطق مرزی، دسترسی کمتری به امکانات بیمارستانی، درمانی، آموزشی، دانشگاهی، تجاری و اداری داشته باشند. رساندن خدمات شبکه ملی آب، برق، گاز و مخابرات به مناطق مرزی همواره دشوارتر از مناطق مرکزی است

این در حالی است که بخش بزرگی از منابع معدنی کشور و به ویژه نفت و گاز در استان های مرزی کشور قرار دارند و ورودی اصلی گمرکات کشور نیز در این استان ها مستقر است.

در نتیجه همین چالش ها است که می توان گفت استان ها مرزی ایران، اغلب با چالش ها و بحران های جدی در مقایسه با استان های غیرمرزی کشور مواجه هستند و مسائل و مشکلات بیشتری دارند که نیازمند توجه بیشتر مسوولان و مدیران دولتی به این استان ها و ساکنان مناطق مرزی آن است (اشرف سمنانی، ۱۳۹۸).

توجه به مسئله قاچاق و نبود اشتغال

قاچاقچیان مواد مخدر، سوخت، سلاح و کالا، همواره برای قاچاق محموله های مورد نظر خود، باید از مرزها عبور کنند. بخشی از قاچاقیان همچون قاچاقیان کالا، مواد مخدر و سلاح در تلاش هستند تا از طریق مبادی ورودی کشور، محموله هایی را وارد کنند و گروهی دیگر همچون قاچاقچیان دام و احشام، اشیای عتیقه و سوخت، در پی آن هستند که با گذر از مبادی خروجی، سود سرشاری را به دست آورند. در نتیجه این مسئله، مرزنشینان کشور همواره درگیر مسئله حضور قاچاقچیان در مناطق خود هستند و تبعات این اقدامات دست و پنجه نرم می کنند.

علاوه بر ناامنی که به واسطه حضور قاچاقچیان در مناطق مرزی ممکن است ایجاد شود، حضور قاچاقیان و فعالیت آنان، عرصه را بر اشتغال و فعالیت سالم بازرگانی مرزنشینان تنگ می کند و این ساکنان مناطق مرزی هستند که باید هزینه های سودجویی قاچاقچیان را بپردازند. بطور مثال بخش بزرگی از شهدای مرزبانان خود از شهروندان ساکن مناطق مرزی بوده اند و اقدامات و فعالیت های خلافکارانه قاچاقچیان، جان و مال ساکنان مناطق مرزی را در خطر قرار می دهد.

حضور همین قاچاقچیان است که در بسیاری از مواقع بازرگانی و تجارت ساکنان مناطق مرزی تحت عنوان فعالیت «پبله وری» را با مشکلاتی مواجه می کند ممکن است باعث اختلال در فعالیت های قانونی مرزنشینان شود. این در حالی



است که بحث تبادلات تجاری مرزنشینان، یکی از اولویت‌های مهم ساکنان این مناطق است و می‌تواند به تغییر وضعیت درآمدی آنان بیانجامد (اشرف سمنانی، ۱۳۹۸).

۵. نتیجه گیری

جمهوری اسلامی ایران به به لحاظ موقعیت، در یکی از حساس ترین مناطق جهان واقع گردیده است، کشوری که از تحولات محیط پیرامونی بیشترین تاثیرپذیری را دارد و متقابلاً یکی از بازیگران موثر بوده است. براین اساس مناطق مرزی ایران از اهمیت بالایی برخوردار هستند چرا که تعدد همسایگان ایران و همچنین موقعیت جغرافیایی ایران در خاورمیانه باعث شده ایران همه روزه درگیر تنش هاو چالش ها باشد. ولذا درپیشگیری سیاست های نامناسب در مرز ایران و ترکمنستان باعث ایجاد مشکلاتی برای ساکنین مرزی شده از قبیل مشکلاتی که می توان آنها را مدنظر قرار داد عبارتند از: مشکلات تردد رانندگان کامیون ها، گردشگران و مسافران، قاچاق کالا، غیر فعال بودن بازارچه های مرزی و.. که علاوه بر اقتصاد کل کشور، زندگی مرزنشینان را نیز درگیر کرده است. وجود بازارچه های مرزی مانند بازارچه (لطف آباد و باجگیران) که زمانی جنب و جوش خاصی داشت و ساکنان منطقه از طریق بازارچه مرزی و رفت و آمدها به اندک درآمدی برای معاش خود دست می یافتند اکنون با وضعیت حاکم در مرز بیکار مانده اند و از کسب و کار در شهر خبری نیست. پیامد این اوضاع مهاجرت های مردم، بیکاری به ویژه در جوانان و شرایط نامساعد اقتصادی آنان است که مرزبانان می توانند با درپیشگیری دیپلماسی مرزی مناسب با همتای خود در کشور مجاور به رفع همه مشکلات و ممنوعیت ها، رونق دوباره بازارچه های مرزی و به جریان افتادن اقتصاد مرزنشینان و پیشرفت و توسعه مناطق مرزی و بهبود شرایط ساکنین مرزی کمک موثری داشته باشند. در مقاله حاضر نظریه ها و دیدگاه های مرتبط با مرز مطرح شد تا بتوان از طریق شاخص سازی آنها راه حل های متناسب با زندگی مرزنشینان را ارائه داد، مسئله ای که در تمامی نظریات بدیهی است کم توجهی به مناطق مرزی و تعامل کم رنگ بین مرکز حکومت با مناطق مرزی است، که سبب نادیده گرفتن حقوق مرزنشینان شده است بنابراین دیپلماسی مرزی می تواند راهکار بسیار مناسبی برای احقاق حقوق مرزنشینان از طریق برقرار کردن ارتباط موثر و مفید با دوسوی مرز باشد.

منابع

۱. پایگاه خبری اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۶
۲. جان پرور، محسن (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر ساماندهی ساکنان مرزی جهت کنترل مرزها. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای. سال ۱۵. شماره ۲. ص ۹۵-۱۱۸.
۳. جان پرور، محسن (۱۳۹۶): نگرشی نو به مطالعات مرزی (مفاهیم، اصول و نظریه ها): تهران: نشر انجمن ژئوپلیتیک ایران
۴. جان پرور، محسن (۱۳۹۱). تبیین الگوی مدیریت مرز دریایی (مورد: خلیج فارس). رساله دکتری. به راهنمایی محمد حسین افشردی. گروه جغرافیا. تهران. دانشگاه تربیت مدرس.
۵. زرقانی، سید هادی (۱۳۹۱). تحلیل عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر امنیت مرز شرقی. پروژه تحقیقی منتشر نشده. خراسان رضوی. دفتر تحقیقات ناجا.
۶. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چالش ها، مسائل و الزامات فراروی وزارت اطلاعات و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و معیارهای وزیر آینده، ۱۳۹۲
۷. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چالش های پیش روی وزارت کشور؛ شاخص ها و معیارهای وزیر مطلوب، ۱۳۹۲



حقوق و علوم انسانی

اولین کنفرانس بین المللی

1st International Conference on Law and Humanities Science

۸. نصرالله عزتی و همکاران، نقش و جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه‌ریزی (مطالعه موردی: مناطق مرزی ایران)

۹. House, J. (1982). Frontier on the Rio Grand: A Political Geography of Development and Social Deprivation, Clarendon Press, Oxford.
۱۰. Morelli, Vincent & Paul Belkin (2009); "NATO in Afghanistan: A Test of the Transatlantic Alliance" Congressional Research Service, 7-5700. www.crs.gov. RL33627